اگر به خدا قرض الحسنه دهید(و در راه او انفاق کنید)
آن را برای شما مضاعف می سازد...
تغابن/۱۷

ذکر روز دوشنبه
صدمرتبه
یا قاضی الحاجات

یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود
دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود
راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
بر زبان بود مرا آن چه تو را در دل بود
حافظ
غزل۲۰۷

در محضر بزرگان

کلید کسب سعادت چیست؟

علامه آیت ا... طباطبایی درباره انجام عمل خیر نوشته‌اند: خدای تعالی سعادت نفس بشر را بر این اساس تامین نموده که به اختیار خود، اعمال خیر انجام دهد و حسناتی کسب نماید و کلید کسب این حسنات، داشتن عزم راسخ و همت بلند است.

برگرفته از کتاب «حکمت زلال»

احکام

ساخت عروسک، مجسمه و نقاشی موجودات زنده

محمدعلی ندایی/ در فقه بخشی تحت عنوان «مکاسب محرمه» وجود دارد که در آن شغل‌های حرام و راه‌هایی که کسب منفعت از طریق آن حرام و نارواست، بررسی می‌شود. یکی از این شغل‌ها، خرید و فروش مجسمه است که به دلیل رواج بت‌پرستی در قدیم، خرید و فروش مجسمه به عنوان یکی از کسب‌های ناروا در بخش مکاسب محرمه بحث و بررسی می‌شد. امروزه هم برخی از مراجع عظام تقلید، هنوز خرید و فروش آن را مجاز نمی‌دانند اما حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در استفتایی خرید و فروش و ساخت مجسمه موجود جاندار را مجاز دانسته و چنین فتوا داده‌اند:

سؤال: ساخت عروسک و مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات زنده اعم از گیاهان، حیوانات و انسان چه حکمی دارد؟ خرید و فروش و نگهداری و ارائه آن‌ها در نمایشگاه چه حکمی دارد؟

جواب: ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات ولو ذی‌روح اشکال ندارد. همچنین خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.

فتونکته

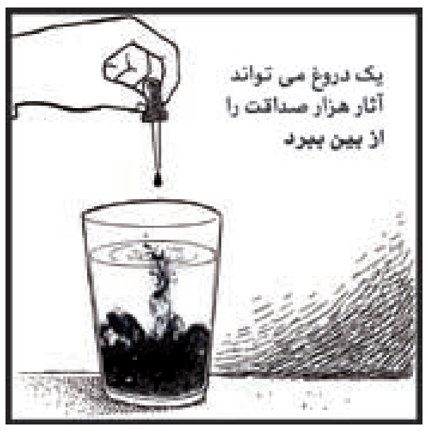

بریده ها

عاشق طبیعت

بهرنگ با سر شاخه نازکی که پیدا کرده بود، شیارهای خاک را زیر و رو می‌کرد. جانورهای ریزی که توی خاک می‌جست، از همان بچگی همیشه برایش شگفت‌انگیز بودند. کرم‌های خاکی را دو نیم می‌کرد و با تعجب به حرکت مداوم نیمه‌های قطع شده نگاه می‌کرد. کفشدوزک‌ها را پشت دستش می‌گذاشتم و صبر می‌کردم تا حرکت ظریف آن ها را روی پوستش تجربه کند. برعکس بهراد که زندگی شهری را ترجیح می‌داد و حتی گِلی شدن کفش‌هایش را بزرگ‌ترین فاجعه زندگی‌اش می‌دانست، بهرنگ عاشق زمین بود، عاشق آسمان بود، عاشق دریا بود. عاشق هر چیزی بود که به طبیعت ربط داشت. سیروس با افتخار می گفت: «این بچه پشت منه. این بچه مال‌نگهدار من می‌شه. باغ منو نگه می‌داره. از بقیه بخاری در نمیاد.» بقیه، پرویز و پسرهای دیگرش و احتمالاً بهراد بودند.

برگرفته از کتاب «پرتقال خونی» اثر پروانه سراوانی

انگلیش آموزی

نویسنده: **میترا تاتاری**، **تصویرساز**: **سعید مرادی**

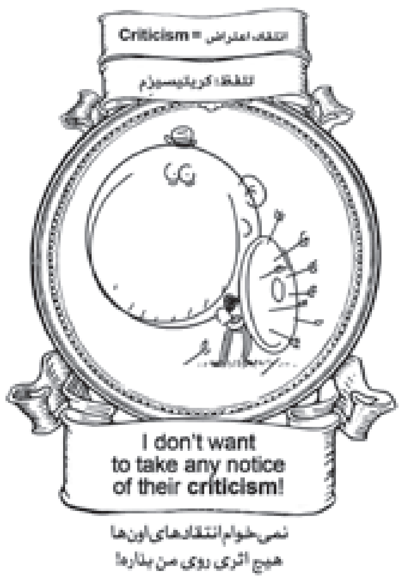
Criticism = انتقاد، اعتراض
انتقاد، کریتیسیزم
I don't want to take any notice of their criticism!
نمی‌خوام انتقادهای اون‌ها هیچ اثری روی من بذاره!

اندکی صبر

هراس واقعی

هراس یعنی
من باشم و
تو باشی و ...
حرفی برای گفتن نباشد

نیکی فیروزکوهی

دنیا به روایت تصویر

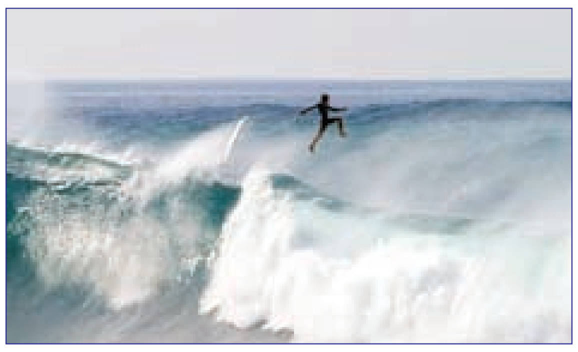

تخته موج‌سواری «بالارم استک» موج‌سوار آمریکایی، میان امواج خروشان «هاوایی» از پایش جدا شده است! عکس از خبرگزاری فرانسه

اسکی در یک پیست در سرمای شدید «کالیفرنیا»ی آمریکا، عکس از آسوشیتد پرس

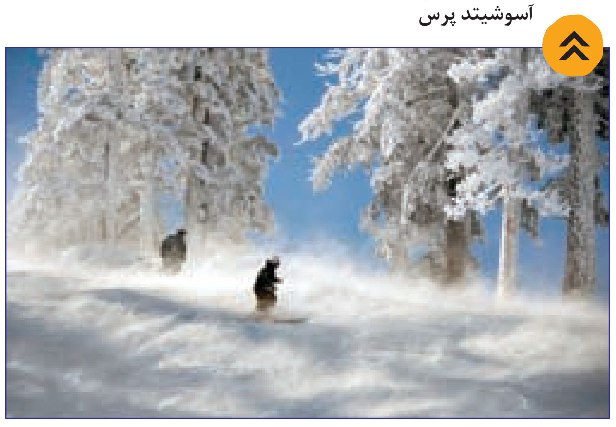

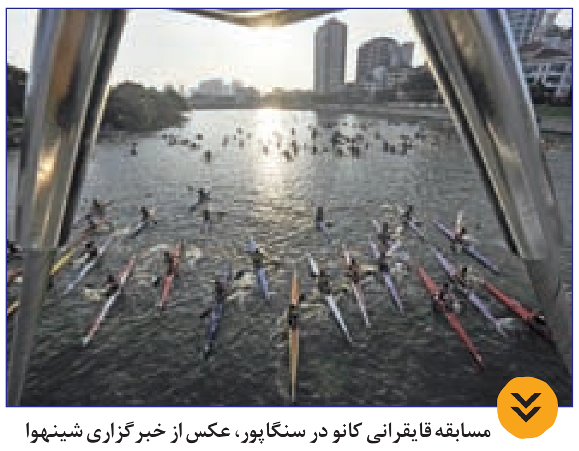

مسابقه قایقرانی کانو در سنگاپور، عکس از خبرگزاری شینهوا

دور دنیا

روباهی که اهلی شد!

بوردپاندا/ «آلیا» روباه ۴ هفته ای، قرار بود تبدیل به یک پالتوی پوست روباه شود. برای همین هم در کنار روباه های دیگر منتظر روزی بود تا بزرگ‌تر شود و بعد برای تبدیل شدن به یک پالتوی زیبا، کشته شود! اما «آماندا کر» یک جهانگرد فرانسوی که دلش حسابی برای این روباه بیچاره سوخته بود، با پرداخت مبلغی او را آزاد کرد و با وجود این که روباه ها اهلی نمی شوند، اما از دو سال پیش تاکنون او در تمام سفرهای جهانگردی اش همراه «آماندا» بوده است!

بزرگ‌ترین تفنگ اسباب بازی دنیا!

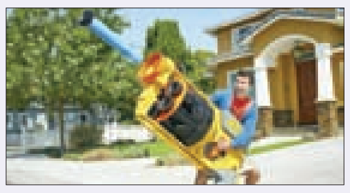

گینس ورلد رکورد/ در قلب کالیفرنیا، مردی زندگی می کند که آرزوی دیرینه بسیاری از کودکان را برآورده کرده است. او بزرگ‌ترین تفنگ اسباب بازی دنیا را ساخته است. مهندس مکانیک ۳۵ ساله ای به نام «مارک بندرس» دو سال است که بر روی ساخت این تفنگ کار می کند و به تازگی موفق شده است که این اسباب بازی را با ابعاد یک متر و ۸۲ سانتی متر بسازد! گلوله های این تفنگ هم می تواند با سرعت ۴۰ کیلومتر بر ساعت شلیک شود!

گالری زیر آب!

تاکسل/ به تازگی یک گالری زیر آب در ساحل شرقی یکی از جزایر اسپانیا در اقیانوس اطلس احداث شده است که دارای ۳۰۰ مجسمه است اما همگی در زیر آب! برای دیدن این گالری شما باید بتوانید در عمق ۱۰ الی ۲۰ متری آب غواصی کنید و با لباس و تجهیزات از دنیای شگفت انگیز این مجسمه ها دیدن کنید! تمامی این مجسمه ها به دست هنرمند چیره دستی به نام «جیسون دکر» ساخته شده است و مجسمه های انسان های یک شهر در زیر دریا را نشان می دهد.

رکورد دردناک!

گینس ورلد رکورد/ یک تیم از هنرمندان رزمی کار قوی در هند توانستند یک رکورد منحصر به فرد را به نام خودشان ثبت کنند! این گروه ۶ نفره رکورد بیشترین تعداد انسانی را که روی تشکچه پر از میخ خوابیده اند به نام خودشان ثبت کردند! بین هر دو نفر یک تشکچه پر از میخ قرار داده شده بود و همه این شش نفر توانستند روی هم سوار شوند و این رکورد عجیب و در عین حال دردناک را به نام خودشان ثبت کنند!

حکایت

بهانه

یکی اسبی از دوستی به امانت خواست. گفت: «اسب دارم اما سیاه است.» گفت: «مگر اسب سیاه را نمی‌شود سوار شد؟» گفت: «چون نخواهم داد، همین‌قدر بهانه بس است.»

برگرفته از کتاب «گزیده طنز عبید زاکانی» گردآوری ابوالفضل زرویی نصرآباد

زندگی سلام

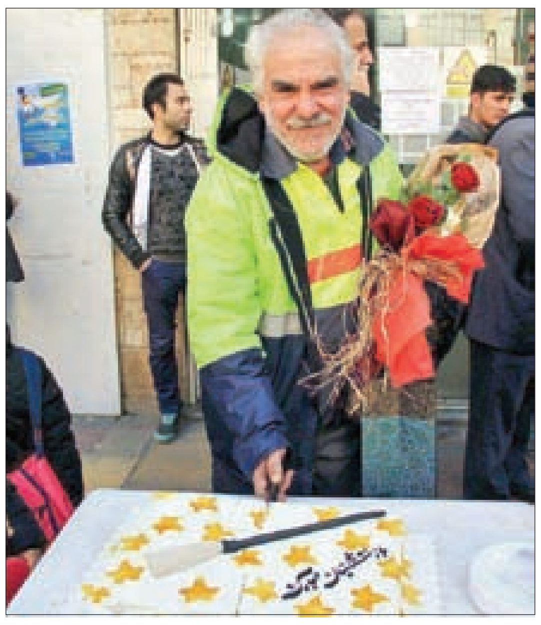

مردم یکی از محله های تهران، برای پاکبان محبوب خودجشن بازنشستگی گرفته اند

Like Comment

- هیچ چیز مطلق نیست مگر سختیِ صبح زود بیدار شدن. چه ۹ شب بخوابی چه ۳ صبح، ساعت ۶ بیدار شدن سخته!
- برای ابراز احساسات به ما عینکی ها لطفا باهامون روبوسی نکنید، صورتتون مالیده میشه به شیشه عینکمون کثیف میشه دیگه نمی‌تونیم ببینیمتون!
- مسواک زدن فقط اونجاش که دندونات رو بندازی تو لیوان بقیش سوسول‌بازیه!
- وضعیت جوری شده که پریز برق تصمیم می‌گیره که کجا بشینیم نه خودمون!
- معلم از پسرعموی ۱۰ ساله‌ام پرسیده اختراع برادران رایت چی بوده؟ اونم جواب داده رایتر!
- کاش من پتو بودم همینجوری می‌موندم رو تخت، یکی دیگه می‌رفت پی کار و زندگی!
- همکلاسی دوران دبستانم رو اتفاقی تو خیابون دیدم. گفتم چه کارا می‌کنی؟ گفت دارم پی‌اچ‌دی می‌گیرم، تو چی؟ گفتم من هم صبحا با بی‌آر‌تی میام!
- خود چای یه چیزی می‌دونه که تلخه. شما که بیشتر از چایی نمی‌فهمی، شیرین نکن اون بدبخت رو!

Like Comment

سفرنامه

فرهنگ جالب مردم ارمنستان

منصور ضابطیان مجری سابق برنامه تلویزیونی رادیوهفت و سفرنامه نویس، درباره فرهنگ جالب مردم ارمنستان این طور نوشته است:

زندگی در ارمنستان یک زندگی کارگری است. صرف نظر از درصد اندک آدم پولدارها که در هر جای دنیا حضور دارند درصد عمده مردم در فقر به سر می برند. این حرف را نه بر اساس آمار که بر اساس مشاهداتم در کوچه و خیابان های ایروان می زنم. مردم به شدت کار می کنند، در گرما عرق می ریزند و به نظر می رسد چرخ زندگی را در سر بالایی هل می دهند، اما... اما سرخوشند، خوشحالند، لبخند می زنند، خوش اخلاقند، عصرها لباس هایشان را عوض می کنند و می آیند توی پارک می نشینند. توی کافه قهوه می خورند و آخر شب کنار حوض میدان رپابلیکا به آب چشم می دوزند و به زبان مادری سخن می گویند. دوباره می نویسم، آن ها سرخوشند و مگر گوهر خوشبختی چیزی غیر سرخوشی است؟ آن ها در عین فقر، شکوه زندگی را حفظ کرده اند. خانه ای که من و همراهانم در آن اقامت کرده ایم، یک خانه دوبلکس قدیمی و محقر در منطقه ای نه چندان مرفه اما در عین حال باشکوه است. روی دیوارهایش تابلوهای نقاشی نصب شده و یک پیانوی کوچک کنار سالن اصلی اش منتظر ماست. موسیقی جزئی جدانشدنی از زندگی ارامنه است. در کوچه ها صدای آواز می آید و به جرات می توان گفت تعداد فروشگاه ها و دکه های فروش نوار، سی دی و دی وی دی موسیقی اگر از رستوران ها بیشتر نباشد، کمتر نیست. (این را به حساب اغراق نگذارید یک واقعیت عینی است).

برگرفته از کتاب «مارک و پلو» اثر منصور ضابطیان

کله چغوکی

آق کمال نقطه ضعفش را لو می‌دهد

صبح جمعه تو خواب صدای دَنگ و دونگ شنیدُم. هموجور چشم‌بسته پرسیدُم چه خبره؟ کاملیاخانم آمد تو اتاق و پرده پنجره ره زد کنار که: «پاشو لنگ ظهره!» از لای چشم به ساعت نگاه کردُم دیدُم هفت و نیمه! گفتُم: «بی مُروت مگه به وقت استرالیا زندگی مُکنِم که الان ظهر شده؟» گفت: «برای صبحانه پنکیک درست کردم ها!» هم مثل فشنگ از جام وَرخاستُم. نِمتنُم جلوی پنکیک‌هاش طاقت بیارُم. حالا چیزی هم نیست، یَگ کم آرد و شیر و تخم مرغه، ولی با مربای آلبالو یا عسل معرکه مِره. الان که دارُم مُگم دهنُم آب افتاد. ولی شستُم خبردار رفت که یَگ خبراییه.

صبحانه ره خورده نخورده، پیش‌بینیم به حقیقت پیوست. عیال گفت: «امروز یه خورده کارت دارم.» بیا! گفتُم: «مو در خدمتُم، شما فقط امر بفرماین!» اصلا هم زذ نیستُم! گفت: «یه تغییر دکور کوچولو باید بدیم.» گفتُم: «مگه سه هفته پیش تغییر ندادم؟» گفت: «نخیر، ماه پیش بود!» گفتُم: «ها، درسته پس، الان وقتشه دگه. عمر چقدر زود مِگذره! فکر کردُم سه هفته گذشته!» گفت: «کار زیادی نیست. فقط این مبل‌ها رو ببریم اون طرف، میز رو بیاریم اینجا و تلویزیون رو هم برگردونیم جای قبلیش. همین.» گفتُم: «همینا فِقط؟ کاری نِدره که، اصلا لازم نِبود کله سحر وَخزن پنکیک درست کنِن. ای کارا ره با یَگ دانه پیاله انار هم انجام مِدادُم!» خندید و رفت یَگ گوشه واستاد تا کارُمه شروع کنُم. ظهر بود که جابجایی‌ها تِموم رفت. دم در واستاد و خریدارانه یَگ نگاهی انداخت و گفت: «دستت درد نکنه، خیلی خوب شد. خسته نباشی.» خوبیش ایه که با پنبه سر مُبره. آمدُم بیشینُم که گفت: «آی آی آی! نشین یه لحظه.» انا حالا خوب رفت! همیجور نیم‌خیز بهش نگاه کردُم، گفت: «بی‌زحمت بیا این وسایل رو هم بذار تو اون کابینت بالاییه، دستم نمی‌رسه. تا یه لیوان آب‌آلو برات درست کنم.» یعنی اگه بخواد براش کوه رَم جابجا مُکنُم، بس که خوش‌زبونه. اونا ره که گذاشتُم تو کابینت، بااحتیاط نشستُم که اگه وسطش چیزی یادش آمد بگه، ولی به خیر گذشت. داشتُم آب‌آلو مُخوردُم که گفت: «خسته نباشی. عوضش برات ناهار قیمه با سیب‌زمینی سرخ کرده فراوون درست کردم.» آب آلو جست به گولوم. گفتُم: «با ته دیگ سیب‌زمینی؟» گفت: «هم سیب‌زمینی، هم نون قاطی!» داشتُم از خوشی پس می‌افتادُم که ادامه داد: «حالا تا پلو دم بکشه، بی‌زحمت...» از مو مِشنون سعی کنِن هیچ‌وقت نقطه ضعفتانِه جلوی هیچ کس برملا نکنِن، هیچ کس!

آق کمال

باس ماس

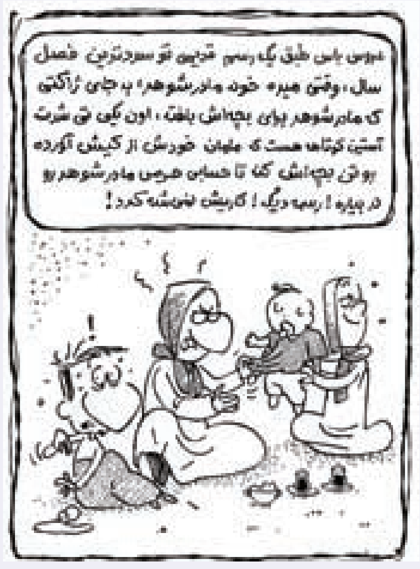

نویسنده: **سیدمصطفی صابری**، **تصویرساز**: **سعید مرادی**

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* اشعار امیر حسین خوش‌حال کم شده توی صفحه «همشهری سلام». تا کی می‌خواین مطالب بامزه‌تون رو حذف کنین و فکر کنین ما هم همچنان می‌خونیم صفحه رو؟! **تیموریان**

* ممنون از مطلبتون درباره خانم‌های خانه‌دار. خستگیم در رفت. خدا خیرتون بده که به فکر همه اقشار جامعه هستین. **مامان فرانک، مشهد**

* «زندگی سلام» لطفاً مطالبی هم درباره توصیه های پزشکی ائمه (ع) برای ما علاقه مندان و مشتاقان به این گونه مباحث و مطالب، چاپ و منتشر کن!

* «جوانه» چه خوب است در صفحه ات، یک مسابقه جالب همراه با اهدای جایزه برای نوجوانان عزیز کشورمان ترتیب بدهی.

* «۳ نقطه» دیروز جالب بود، دقیقا اول‌هاش همین طوریه! **محمد، مشهد**

* گاهی اوقات در «زندگی سلام» از امام رضا(ع) هم حداقل یک روایت یا یک قضاوت بنویسید. **محمدعلی**

* اگه میشه جوک هم در روزنامه تون چاپ کنید. **عرفان**

اسـتریپ خفن

مسابقه شماره ۱۲۹ 1sargarmi.ir

طراح: محمدمهدی‌رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

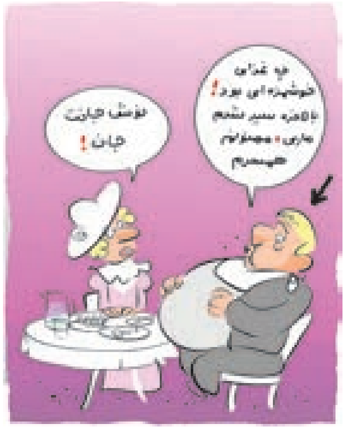
نوش جانت جان!

-!(*×÷

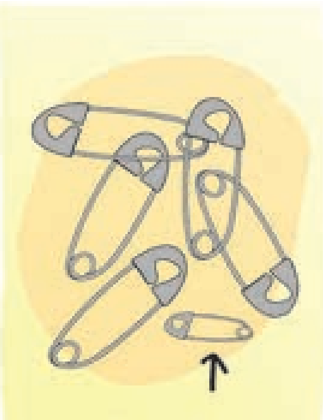

|=!(-÷

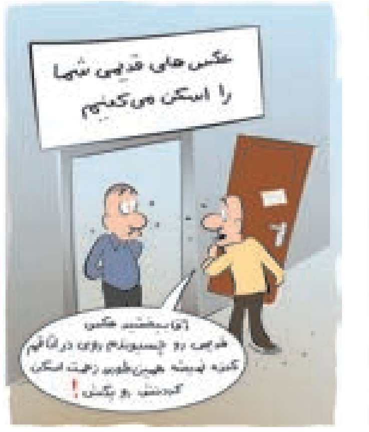
عکس های قدیمی شما را اسکن می‌کنیم

*}-|÷!

تمام درخواست‌ها بررسی شده!

سلام. تمام درخواست هایی که عبارت «بررسی پیامک» فرستاده بودن همش بررسی شده. شماره هایی که بالای ۹۰ پیامک زده بودن با علامت * مشخصه که فهرستش در وب سایت هست. حالا باید بالای ۹۰ پیامکی ها رو به لحاظ تعداد «پاسخ صحیح» بررسی کنیم. منتظر اعلام نتیجه نهایی و مشخص شدن «بزرگان خفن استریپ» باشین که به‌زودی معرفی میشن. فعلا!

۰۹۳۶۴...۲۷۴ : ۹۸پیامک*
۰۹۳۵۶...۱۳۹ : ۱۰۶ پیامک*
۰۹۳۷۴...۴۳۱ : ۳۴پیامک
۰۹۳۵۳...۰۴۵ : ۳۸پیامک
۰۹۱۳۸...۱۳۵ : ۷۴پیامک
۰۹۳۵۷...۷۶۶ : ۱ پیامک!!
(که اونم همین درخواست بررسی بوده)
۰۹۱۵۹...۷۵۲ : ۶پیامک!
۰۹۳۶۹...۳۲۰ : ۵۸پیامک
۰۹۱۵۶...۹۸۷ : ۷۷پیامک
۰۹۱۵۹...۱۷۴ : ۸۷پیامک
۰۹۱۵۵...۱۸۷ : ۷۱پیامک